**تحلیلی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی**

، سال دوم، شماره اول، زمستان 1389، صفحه 95 ـ 114  
Ma'rifat-i Ākhlaqī, Vol.2. No.1, Winter 2011

فاطمه هاشمی[\*](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ftn1" \o ") / رضاعلی نوروزی[\*\*](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ftn2" \o ")

چكیده

**هدف این مقاله بررسی دیدگاه‌های فارابی دربارة نحوة تحصیل سعادت فرد و جامعه است. این نوشتار، با رویكرد تحلیلی- توصیفی و با استفاده از منابع اصلی، به بررسی اندیشه­های تربیت اخلاقی فارابی پرداخته است. با توجه به اینكه فارابی هم به فلسفة یونان احاطه داشته و هم از مكتب وحیانی اسلام و احادیث ائمه اطهار(ع) بهره‌مند بود، اندیشة وی در شرایط كنونی جامعه می­تواند راهنمای عمل بسیار خوبی باشد. با اینكه فارابی بیشتر در باب مسائل اجتماعی و سیاسی سخن گفته است، اما فرد و اخلاق را در رأس امور می­داند. وی انسان را موجودی مختار و امكان تغییر اخلاق را برای هر فرد ممكن می‌داند. فارابی انسان را موجودی اجتماعی در نظر می­گیرد كه دستیابی او به سعادت، بدون تعاون و همكاری با دیگر افراد جامعه ممكن نیست. وی معتقد است كه سلامت فرد و جامعه متأثر از هم بوده و با تربیت افراد سالم می­توان به مدینة فاضله دست یافت و در مدینة فاضله است كه سلامت اخلاقی و ایمان مردم مصونیت پیدا می­كند. از این‌رو، اصول و روش­هایی را برای تغییر افعال قبیح و ایجاد رفتارهای پسندیده پیشنهاد می‌كند.**

**كلید واژه‌ها: فارابی، سعادت، مدینه فاضله، اهداف تربیتی، اصول و روش­های تربیتی، اخلاق.**

**مقدمه**

بی‌تردید مقام اشرفیت انسان دلیل خود واقعی او، كه همان خود الهی است و نیز روح خدایی است، كه در وجود انسان نهفته است و او را در رأس كائنات قرار می‌دهد. اما متأسفانه امروزه گویا مردم از اصل خود دور افتاده و خود را فراموش كرده­اند. در واقع، همزمان با رشد تكنولوژی و صنعت، بشر سرگرم امور و تنوعات دنیوی شده و چارة دردهایی بی‌هویتی و احساس پوچی خود را در تجملات و مصرف بیشتر می­جوید. انسان امروز با استیصال و درماندگی دست به دامن مكاتب انحرافی می­شود تا ناآرامی­های درونی خود را درمان كند. اما هر روز در گرداب حقارت فرو می­رود و رسیدن به نهایت پوچی و حتی دست زدن به خودكشی را آرمان زندگی خود قرار می­دهد. ریشة گرفتاری‌های امروزة جوامع انسانی چیست؟ آیا راه حلی برای مشكل سردرگمی و درماندگی انسان امروزی وجود دارد؟ فارابی به عنوان اندیشمند شیعی مذهب و مؤسس فلسفة اسلامی با اعتقاد كامل به وجود گرایشات فطری، انسان را موجودی مختار می­داند و معتقد است كه هیچ كس بر اساس فطرت، مجبور به «خوب بودن» یا «بد بودن» نیست. فارابی مشكلاتی از قبیل دزدی، قتل، جنایت یا حتی اختلافات سیاسی را مشكلات اجتماعی نمی­داند و فرد را مقدم بر جامعه دانسته، اصلاح جامعه را مشروط به اصلاح افراد و توجه به تربیت اخلاقی می‌داند. البته وی از تأثیر جوامع بر افراد نیز غافل نیست.[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn1" \o ") معلم ثانی، مبحث ارزش­ها را به عنوان یكی از محورهای اساسی فلسفه، مورد تأمل و دقت خاص قرار داده است. با توجه به اینكه هدف این مقاله در زمینة اخلاق و تربیت اخلاقی است، ضروری به نظر می­رسد كه پیش از ورود به مباحث تربیتی، ارزش­شناسی فارابی و حسن و قبح و فضایل مدنظر او مورد توجه قرار گیرد سپس دلالت­های تربیتی در سه محور اهداف، اصول و روش­ها بیان گردد.

**ارزش‌شناسی فارابی**

تفسیر فارابی از نظام هستی و جسم انسان، بیانگر پیكری واحد در اوج انسجام و سازگاری است. اجتماع ایده­آل انسانی، كه در اصطلاح فارابی مدینة فاضله خوانده می‌شود، بر اساس الگویی برگرفته از نظام كلی هستی طراحی شده است. این الگو، نمونه‌ای مینیاتوری نیز دارد كه بدن آدمی است.[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn2" \o ") بنابراین، اجزای مدینه نیز اعم از خانواده یا آحاد مردم، اگر به مقتضای جایگاه ویژة خود در نقشة جامع مدینة فاضله عمل كنند و اندیشه­ای متناسب با جایگاه عملی خویش در این مجموعه داشته باشند، به برترین كمالات انسانی ممكن می‌رسند. از این‌رو، جهت‌گیری تعلیم و تربیت، نزد فارابی هدایت فرد به وسیلة فیلسوف و حكیم برای عضویت در مدینة فاضله برای دستیابی به سعادت و كمال اول در این دنیا و كمال نهایی در آخرت است.[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn3" \o ") به زعم فارابی عالم هستی، همانند پیكری واحد است كه اجزای آن در شعاع جاذبة وجودی ازلی و ابدی، كه واجب الوجود بالذات است، قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی این وجود، وحدت مطلق است. آن وجود برتر، علت تمام موجودات و علت غایی هستی یعنی خداست.

محور اصلی همة اندیشه‌های فارابی، انسان است. انسان موجودی مركب از روح مجرد و جسم مادی است. روحش اشرف از بدن اوست.[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn4" \o ") بنابراین، كمالات روح و ترقی آن را ارزشمندتر و اصیل­تر می­داند. بدون آنكه ارزش مقدماتی و آماده‌سازی بدن و قوای نباتی و حیوانی انسان را كم بشمارد. بدن در حكم ابزاری برای افعال نفس است. نفس، فاعل خیر و شر است. به نظر فارابی، هستی شش مرتبه دارد: 1. وجود مبدأ اول و ذات لایزال الهی؛ 2. عقول؛ 3. عقل فعال؛ 4. نفس و روح انسان؛ 5. صورت؛ 6. ماده. بدین ترتیب، انسان در مرتبة چهارم هستی قرار دارد و مربی و معلم اصلی و حقیقی انسان عقل فعال است. علوم انسان با ارتباط با وی حاصل می‌شود و رابطة عقل فعال با انسان و قوة عاقلة وی مانند رابطه و تأثیر خورشید در چشم است كه تا پرتو خورشید نتابد، چشم نمی‌تواند ببیند.[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn5" \o ")

فارابی رسیدن به مقام و مرتبة اتصال به عقل فعال را تنها به واسطة افعال ارادی میسر می‌داند؛ افعالی كه پاره‌ای از آنها، فكری و پاره‌ای دیگر بدنی است. چنین نیست كه نیل به سعادت با انجام هرنوع فعلی صورت پذیرد، بلكه افعالی خاص می‌تواند رسانندة انسان به كمال غایی خویش باشد.[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn6" \o ") به وسیلة اختیار، انسان می‌تواند كارهای پسندیده و ناپسند را انجام دهد و پاداش و كیفر اخروی به آن وابسته است.[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn7" \o ") دربارة اجتماعی‌بودن انسان، فارابی بر آن است كه انسان موجودی است كه ضروریات زندگی طبیعی و كمالات و ترقیات وی، جز با اجتماع میسر نیست.

شناخت و بررسی عمومی ارزش‌ها را (از حیث ایجاد و منشأ تكوین، ماهیت، نسبی یا مطلق بودن، عینی یا ذهنی بودن، فطری یا اكتسابی بودن، تاریخی یا غیرتاریخی بودن، منبع و مصادیق آن و مباحث دیگر) «ارزش شناسی» می‌گویند[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn8" \o ") كه یكی از شاخه‌های فلسفه است. همچنین، همان طور كه در مقدمه مطرح شد، در ارزش شناسی به دو حوزة زیبایی شناسی و اخلاق به طور مستقل پرداخته می‌شود. در این مقاله به ارزش شناسی فارابی از زاویة اخلاق توجه شده است. در تفكر نظام دار فارابی، ارزش‌ها جایگاه والایی دارد. مفهوم «ارزش» به حالتی عقلانی - وجدانی اشاره می‌كند كه می‌توان آن را در وجود افراد یا گروه‌ها یا جوامع از طریق چند نمود باز شناخت، این نمود‌ها عبارتند از: اعتقادات، اهداف، امیال، گرایشات و رفتارها. این حالت عقلانی -وجدانی، صاحب خود را وادار می‌سازد آزادانه و آگاهانه، پیوسته مجموعه‌ای مشخص از فعالیت‌های انسانی را، كه در آن پندار، گفتار و كردار، با یكدیگر سازگارند، انتخاب كند و آنها را بر دیگر فعالیت‌های ممكن ترجیح دهد.

**حسن و قبح**

فارابی مانند معتزله و تشیع، قایل به حسن و قبح عقلی است، اما اصل اولویت ذاتی را، كه معتقد عدلیه است، بی اعتبار می‌داند. فارابی همة كائنات را اعم از خیر و شر، مستند به اسباب و منبعث از ارادة ازلیه و واجب به ایجاب آن می‌داند. فارابی هیچ موجودی را خارج از قضا و قدر نمی‌داند. اگر در قول به حسن و قبح عقلی با معتزله شریك است، مثل معتزله نمی‌گوید كه عقل به تساوی، در ذات آدمیان قرار گرفته و تشخیص حسن و قبح را مستند به عقل، به معنایی كه معتزله از آن مراد می‌‌كنند، نمی‌سازد، بلكه حسن و قبح را در نظام كلی عالم و در قضا و قدر الهی اعتبار می‌كند. عقل را به این معنی میزان و ملاك تشخیص حسن و قبح می‌داند، كه با استمداد از عالم امر به كمال و فعلیت می‌رسد.[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn9" \o ")

1. **اخلاق**: از نظر فارابی، اخلاق عبارت است از: «آن هیئت نفسانی كه موجب می‌شود افعال انسان و عوارض نفسانی او ستوده یا نكوهش شود». اگر آن هیئت نفسانی، شناخت انسان را نیكو و موافق با واقع سازد، «خُلق جمیل» و اگر در جهت عكس آن باشد، «خلق قبیح» نام دارد.[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn10" \o ")

در فلسفة اخلاق اسلامی، سعادت و كمال به عنوان غایت اخلاق، با توجه به حیات اخروی معنی می‌شود. سعادت برترین غایتی است كه انسان در جستجوی آن است. سعادت را در یك تقسیم كلی، می‌توان به واقعی و پنداری تقسیم كرد. اموری چون علم، ثروت، كرامت و خوش گذرانی، هرگاه برترین غایت انگاشته شود، سعادت پنداری است و سعادت واقعی آن است كه حقیقتاً، شخص پس از رسیدن به آن، غایتی دیگر را فراروی خود نبیند و در جستجوی آن بر نیاید.[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn11" \o ")انسان به مدد خیرات و حسنات و فضایل، می‌تواند به سعادت برسد، اما اموری مثل شر و نقص و رذیلت نیز مانع از رسیدن به سعادت می‌شود.

**2. ارزش اخلاقی**: ارزش اخلاقی در جایی به كار می‌رود كه انسان، فعلی را با اختیار انجام دهد و آن فعل مطلوب آدمی باشد. اما هر مطلوبیتی در اینجا منظور نیست، بلكه مطلوبیت عقلایی منظور است؛ یعنی كاری كه از روی اختیار و به هدایت عقل صورت گیرد. فارابی بر این عقیده است كه افعالی می‌تواند موجب رسیدن به كمال شود كه از ارادة انسان سرچشمه گرفته باشد. اراده سه نوع است: حسی، خیالی و عقلی. دو نوع اراده ناشی از حس و خیال در انسان و حیوان مشترك است. اراده‌ای كه ناشی از قوة ناطقه است و به مدرَك آن تعلق می‌گیرد، مختص انسان و نام ویژة آن اختیار است.[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn12" \o ") به وسیلة اختیار، انسان می‌تواند كارهای پسندیده و ناپسند انجام دهد و پاداش و كیفر اخروی به آن وابسته است.[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn13" \o ")

بر اساس مبانی ارزش شناسی فارابی، ارزش‌های اخلاقی، برخی فطری و برخی ارادی و اكتسابی، و ارزش‌های اساسی، مطلق، ثابت و غیر تاریخی است و مفاهیم ارزشی، از معقولات ثانیة فلسفی به شمار می‌رود.

**جایگاه تربیت اخلاقی در اندیشة فارابی**

به نظر فارابی، تربیت اخلاقی باید فرد را راهنمایی كند تا در جستجوی علتی باشد كه همة موجودات از آن سرچشمه می‌گیرندو به آن پایان می‌یابند. شناخت این وجود و موجودات ساختة امر او، ضرورت تربیت اخلاقی را توجیه می‌كند. فرد باید به سوی شناخت خداوند به عنوان خالق و پروردگار تمام هستی، و ایمان به او و پیروی از دستوراتش هدایت شود. سپس آیات خداوند را در زمین بشناسد و بعد به شناخت خود: در جایگاه مخلوق و بندة پروردگار عالمیان. همت گمارد كه شناخت خود، پایة شناخت خداوند است.

تربیت اخلاقی در بحث اعتقادات، باید زمینة شناخت جهان و آفرینندة آن و هر چه در آن است را به شاگردان بدهد. بنابراین، باید مجموعه‌ای از معارف را در اختیار آنان بگذارد. برای درك آن معارف، نظام تعلیم و تربیت باید آمادگی‌های جسمی و روحی را در شاگرد ایجاد كند. بنابراین، هدف اصلی تعلیم و تربیت، به ویژه تربیت اخلاقی فارابی، در مورد معرفت شناسی وی، هدایت متربی از مرحلة عقل بالقوه به مرحلة عقل مستفاد است، تا او قابلیت كسب فیض را پیدا كند و به بالاترین مراحل كمال برسد. سعادت به عنوان هدف اصلی تربیت اخلاقی فارابی عبارت است از: دوری انسان از ماده و نزدیكی او به وجود اول. در این مرحله، شخص هیچ غایتی را فراتر از نیل به خداوند پیش روی خود نمی‌داند و در جستجوی آن بر نمی‌آید.[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn14" \o ") فارابی به تمام ابعاد وجودی انسان اهمیت می‌دهد و معتقد است كه با تعلیم و تربیت باید تمام ظرفیت‌های وجودی انسان شكوفا شود. بنابراین، سعادت نیز به این صورت به دست می‌آید.

**فضیلت**

فضیلت اعتدال و میانه روی است. افعال وقتی متوسط باشند، فعل «جمیل» و چون از اعتدال خارج شوند، «قبیح» می‌گردند اعم از اینكه به زیاده مایل باشند یا نقصان.[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn15" \o ")

فارابی وقتی از سعادت سخن می‌گوید سعادت دنیوی و اخروی، هر دو را مد نظر قرار می‌دهد. از نظر وی عوامل انسانی یا فضایل وقتی جزو صفات امت جامعه و قومی از مدینه قرار گیرد، سعادت دینی و عقلی تأمین می‌شود.

از دیدگاه فارابی انواع فضایل عبارتند از:

**فضایل نظری**

عبارتند از علوم و آنچه از آن جمله است. آنچه از آغاز امر برای آدمی حاصل شده، بدون آنكه بداند از كجا و چگونه. اینها مبادی اولی معرفت هستند و سایر علوم به تأمل و تحقیق و استنباط در اثر تعلیم و تربیت حاصل شده‌اند.

**فضایل فكری**

چیزهایی هستند كه استنباط چیزی را كه نافع‌تر است، برای نیل به هدف عالی امكان پذیر می‌سازند.

از این‌رو، آنها را فضایل «فكری مدنی» خوانده‌اند و فضایل فكری از فضایل نظری جدا نیستند.

**فضایل اخلاقی**

فضایلی هستند خواستار خیر، و پس از فضایل فكری جای دارند؛ زیرا شرط به دست آوردن فضایل اخلاقی فضایل فكری است. برخی از فضایل اخلاقی و فضایل فكری فطری‌اند و برخی دیگر ارادی، و اراده مكمل امور فطری است.

**فضایل عملی**

فضایلی هستند كه حالت عملی به خود می‌گیرند و در اعمال و كارهای روزانه تحقق پیدا می‌كنند. كیفیت حصول فضایل انسانی این است كه آدمی نفس خود را بررسی كند و عیب‌های آن را بشناسد و برای بدست آوردن صفات پسندیده كوشش كند. آدمی به مقام فضل و كمال نمی‌رسد، مگر وقتی كه به این فضایل دست یابد. فارابی معتقد است تحصیل فضایل گوناگون برای ملل عالم به دو طریق صورت می‌گیرد: اول تعلیم، دوم تأدیب.[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn16" \o ") در اینجاست كه ضرورت تعلیم و تربیت احساس می‌شود.

**اهداف تربیت از دیدگاه فارابی**

هدف در تعلیم و تربیت به معنی وضع نهایی و مطلوبی است كه به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. هدف‌های تربیتی سه كاركرد دارند: 1. رهبری فعالیت‌های تربیتی؛ 2. ایجاد انگیزه در فرد؛ 3. ارائه معیاری برای ارزیابی.[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn17" \o ")

اهداف تربیتی مورد نظر فارابی را می‌توان به دو دسته اهداف غایی و واسطی تقسیم كرد.

**اهداف غایی**

كه به شأن معینی اختصاص ندارد و همه شئون و ابعاد آدمی را شامل می‌شود.

1. شناخت و ایمان به خدا: فارابی غایت معرفت را نیل به سعادت می‌داند. برترین مرتبه معرفت، معرفت خداوند و در نتیجه، ایمان به اوست كه منجر به سعادت انسان می‌شود. فارابی هدف تربیت و كمال نهایی را معرفت حق تعالی و ایمان به او معرفی می‌كند؛ چرا كه شناخت بدون ایمان و ایمان بدون شناخت، انسان را به مقصود نمی‌رساند.

2. قرب الهی: «قرب» به معنی نزدیكی به خداست. منظور از این نزدیكی، قرب مكانتی است نه مكانی. فارابی برای رسیدن به مقام قرب الهی، دل كندن از تعلق به مادیات و تجرد از آن و تلاش برای رسیدن به عقل مستفاد و اتصال به عقل فعال را لازم می‌داند.[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn18" \o ") البته خداوند نزدیك‌ترین به انسان است و اگر انسان این مقام قرب را از دست می‌دهد، به دلیل بی توجهی است. از این‌رو، یكی از اهداف تربیت از دیدگاه فارابی این است كه انسان را متوجه مقام قرب الهی نموده و او را از غرق شدن در مرداب مادیات نجات دهد. قطعاً رمز نزدیكی به خداوند در آراسته شدن به صفات الهی و رسیدن به غایت اخلاق، یعنی متخلق شدن به اخلاق الهی است.

3. سعادت: فارابی معتقد است كه هدف اساسی تربیت و اخلاق، تحصیل سعادت انسان است. سعادت، بالاترین هدفی است كه انسان برای وصول به آن تلاش می‌كند. به دلیل اینكه انسان دارای دو جنبه مادی و مجرد است، حیات و سعادت او نیز شامل حیات مادی و مجرد بوده و دنیوی و اخروی است. به نظر فارابی، سعادت دنیوی مقدمة سعادت اخروی بوده و راه رسیدن به سعادت را تحصیل علم نظری و عملی و همه فضایل می‌داند و معتقد است كه، رسیدن به سعادت، بدون تعاون و همكاری با دیگران ممكن نیست و ناچار انسان برای رسیدن به كمال و سعادت باید با اجتماع و افراد اطراف خود رابطه برقرار كند. البته، سعادت حقیقی در جهان آخرت به دست می‌آید.[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn19" \o ")

**اهداف واسطی**

این نوع اهداف ناظر به بُعد خاصی از ابعاد وجودی انسان مانند بُعد شناختی و اخلاقی است.

1. تفكر و تأمل: به نظر فارابی، هرگاه قوه خیال (تفكر) در كسی كمال یافته باشد و مغلوب احساس‌های خارجی نباشد، با عقل فعال، متصل و متحد خواهد شد و بر اثر آن، عالی‌ترین جمال و كمال تجلی خواهد كرد.[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn20" \o ") با تفكر و تأمل و تدبّر در آیات الهی و موجوداتی كه نشانه‌های قدرت و وجود خدا هستند، می‌توان به شناخت خدا و ایمان به او دست یافت. در نتیجه، به سعادت و مقام قرب الهی نایل شد.[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn21" \o ")

2. تعقل: نفس، كمال تن و عقل، كمال نفس است. به نظر فارابی، هدف، كمال قوة عاقله در دو بخش نظری و عملی است. اصالت از آن كمال عقل نظری است.[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn22" \o ") تعقل، همان تفكر هدایت شده است، عقل یعنی بند و بازداری، یعنی بازدارنده از گمراهی‌ها و عقل در زمینه علم به بار می‌آید.

3. اعتدال: فارابی می­گوید فضیلت، میانه روی است و افعال وقتی متوسط باشند، خلق جمیل حاصل می‌شود. متوسط هر فعلی با معیار سعادت سنجیده می‌شود.[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn23" \o ") البته وجوه امتیاز انسان‌ها و اختلاف موقعیت‌ها نیز در تعیین حد وسط برای هر فرد باید لحاظ شود. فارابی می‌گوید: متوسط دو گونه است: متوسط فی نفسه؛ مانند توسط عدد شش بین دو و ده. و متوسط بالاضافه و القیاس؛ مانند غذای معتدل، كه نسبت به شرایط و افراد مختلف، متفاوت است. «متوسطی» كه در اخلاق و افعال گفته می‌شود، متوسط به معنای دوم است. در این معنی، لازم است افعال و اخلاق نسبت به فاعل، مقصود از فعل، زمان و مكان انجام فعل و ... سنجیده شود، تا فعل متوسط و خلق متوسط به دست آید.[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn24" \o ") همچنین او می‌گوید: فعلی كه فاعل آن در نزد مردم ستوده است و خلقی كه صاحب آن ستوده می‌شود، فعل و خلق جمیل است.[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn25" \o ") گروهی با توجه به این سخنان، فارابی را به نسبیت گرایی در اخلاق متهم می‌كنند. اما با توجه به بنیان‌های فكری فارابی، كه نشأت گرفته از مكتب اسلام است، باور چنین امری ممكن نیست؛ زیرا اولاً، فارابی با معیار قرار دادن سعادت و تعریف روشنی كه از سعادت ارائه می‌دهد، اخلاق را از خدشه نسبی بودن رها می‌كند. ثانیاً، آنچه در شرایط و اوقات مختلف، متفاوت بیان شده است، فعل اخلاقی است نه خود اخلاق. هم‌چنانكه در دین مبین اسلام بسیاری از احكام در شرایط مختلف، تفاوت‌هایی دارند. مثلاً خوردن گوشت مردار حرام است، اما در شرایط اضطرار و در شرایطی كه حیات انسان در خطر نابودی است. خوردن گوشت مردار در حد رفع اضطرار، نه تنها مجاز بلكه واجب است. روزه گرفتن در ماه مبارك رمضان واجب است، اما هرگاه پزشك حاذق تشخیص دهد روزه به سلامت فرد آسیب می‌رساند، روزه گرفتن نه تنها واجب نیست و پاداشی در پی ندارد، بلكه ممكن است گناه و معصیت شمرده شود. پس می‌توان گفت: اخلاقیات اموری ثابت هستند، اما افعال اخلاقی ممكن است در شرایط گوناگون، صورت‌های متفاوتی به خود گیرند،‌تنها شرط درستی اعمال اطاعت امر الهی و قصد قربت است.

**اصول و روش‌های تربیتی**

برخی محققان، اصول تربیت را قواعد عامه‌ای می‌دانند كه می‌توان آنها را به منزله دستورالعملی كلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده نمود، یعنی این اصول مبنای استخراج روش‌های تربیتی محسوب شده و روش‌ها مترتب و متفرع بر این اصول است.[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn26" \o ")

**اصل اول: استمرار در تغییر اخلاق و رفتار**

از نظر فارابی تغییر اخلاق و رفتار برای انسان ممكن است؛ چرا كه اخلاق و رفتار، اعم از قبیح و جمیل، اكتسابی است. در مورد شخصیت نیزكه مجموعه‌ای از فضایل چهارگانه نظری، فكری، خلقی و صناعات عملی است، فارابی معتقد است فضایل حتی نسبت به اشخاص مختلف متفاوت است. می‌گوید: چون احوال و افعال و زمان‌ها دگرگون شود، فضایل هم مختلف می‌شود.[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn27" \o ") منظور از «تربیت» این است كه اخلاق حسنه در فرد پیدا و پایدار شود. و اخلاق حسنه، یعنی افعال و اعمالی كه انسان را به سمت سعادت و مقام قرب الهی سوق دهد.

**الف. محاسبه نفس**: انسان باید توجه كند كه نفس او دارای قوایی است؛ یكی قوه ناطقه كه همان عقل است و ناظر به عواقب پسندیده امور و اعمال خیر و علم است. دیگری قوه بهیمیه كه دنبال لذت‌های زودگذر است. البته ظهور و بروز این قوه در انسان سریع‌تر است. پس انسان باید بسیار تلاش كند تا قوه عاقله را بر قوه بهیمیه غالب سازد و عنان قوای لذت‌خواه را در اختیار عقل قرار دهد.[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn28" \o ")

**ب. روش تربیتی ضد**: پس از آنكه انسان متوجه زشتی‌ها و ناپسندی‌هایی در رفتار و كردار خود می‌شود، باید بكوشد آن تباهی‌ها را از وجود خود دور كند و ارضای غرایز خود را در حد متوسط و اعتدال قرار دهد. حال باید ببیند ناپسندی رفتار او از شدت است یا نقصان. در هر صورت، مدتی خلاف جهت آن افعالی را انجام دهد، این عمل را تا زمانی كه بتواند به رفتار متناسب و معتدلی دست پیدا كند، باید ادامه دهد.[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn29" \o ") این امر به تجربة بسیار و تمرین زیاد نیاز دارد و با توكل بر خدا و استمداد از او و تمرین اراده و صبر می‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

**اصل دوم: تدریجی نمودن پرورش اخلاقی**

فارابی برای رسیدن به سعادت و كمال غایی، مراتبی را در نظر می‌گیرد كه از قوة ناطقه (عقل نظری) آغاز می‌شود و به مرتبة عقل بالفعل می‌رسد.[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn30" \o ") وی معتقد است كه مسیر تكامل روحی انسان به گونه‌ای نیست كه بتوان در زمان كوتاه و به سادگی به نتیجه نهایی رسید، بلكه تربیت، یك فرایند و جریان مستمر است كه نیاز به زمینه‌سازی و رفع موانع دارد. پس در تربیت باید با مرحله‌ای كردن تربیت و فرصت دادن به متربی، او را در رسیدن به مقصد یاری كنیم.

**الف. سیر كمالی تكالیف:** با توجه به اینكه رشد و یادگیری انسان تدریجی است، برای پرورش قوای جسمی و روحی انسان نیز باید مراحل تدریجی در نظر گرفته شود. در تعیین تكالیف نیز باید از آسان به مشكل حركت شود، تا متربی بتواند توانایی‌های خود را بروز دهد؛ چرا كه ارائه تكلیف دشوار نامتناسب با شرایط جسمی، روحی و سنی و... متربی موجب انزجار او خواهد شد.

**ب. تمرین و عادت:**فارابی معتقد است بر خلاف غرایز و لذت‌های ناشی از آن، كه دارای كشش طبیعی هستند، كسب اخلاق نیك و پسندیده و تسلط قوه ناطقه بر قوه بهیمیه، جز در سایة تمرین و عادت حاصل نمی‌شود. اخلاق چه پسندیده و چه ناپسند، بر اثر تمرین و ممارست كسب می‌شوند. از این‌رو، برای كسب فضایل اخلاقی همانند علم و معرفت حقیقی باید تا ملكه شدن فضیلت اخلاقی، تمرین و ممارست صورت گیرد.[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn31" \o ")

**عادت:** برای انجام عملی كه عادت شده، نیاز به تفكر وجود ندارد. پس وقتی عملی بسیار تكرار شود و جزو امور عادی شخص باشد، بخشی از طبیعت او می‌شود. از این‌رو، تغییر عادت كاری بس دشوار است. بهتر است مراقب باشیم كه دچار عادات ناپسند نشویم. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرمایند: عادت، طبیعت ثانویه آدمی است. البته در اخلاقیات نمی‌توان بر عادت تأكید كرد. بنابراین، لازم است عادات تقسیم‌بندی شوند. عادات بر دو نوع است:

عادات انفعالی، كه بدون انگیزه و آگاهی و به صورت غیرارادی، براثر تكرارهای مكانیكی و یا براساس شرطی شدن انجام می‌گیرند، عادات فعّال، كه همراه با انگیزه و اشتیاق و نیت و آگاهی صورت می‌گیرد.

روشن است كه كاربرد عادات نوع اول برای انسان فقط در مورد برخی یادگیری‌های مربوط به حیطة روانی ـ حركتی مثل مهارت در رانندگی و ... كاربرد دارد. و در زمینه اخلاقیات، نه تنها یك روش تربیتی محسوب نمی‌شود، بلكه مانع تربیت نیز به حساب می‌آید. اما عادات از نوع دوم، كه از آن با عنوان ملكه یاد می‌شود، عادتی است كه تكرار فقط صعوبت عمل را در نزد فاعل كم می‌كند و همواره همراه با آگاهی و شعور و شور و اشتیاق است. برای مثال، خواندن نماز شب و انس و خلوت با خداوند، كه باید به عشق پروردگار و خالی از هرگونه شائبه دنیا خواهی صورت گیرد، در ابتدای امر، كاری دشوار است. ولی در اثر تكرار آسان می‌شود. اما نباید از اراده و انگیزه خالی شود و به هدف تبدیل شود. این تنها وقتی ممكن كه است انسان همواره درپی افزایش آگاهی و عقلانیت و بندگی در برابر پروردگار باشد. پس عادت وقتی فعّال و پسندیده است كه فرد از روی عقل و آگاهی و با تحریك درونی تصمیم بگیرد، با تكرار و ممارست آن عمل را برای خود آسان نماید، در این صورت، عادت موجب تثبیت و تحكیم اصول و فضائل اخلاقی می‌شود. در حقیقت، عادت فعّال مدیریت عادت تحت عقلانیت است. وقتی عامل ركود و مانع تربیت است كه انسان در برابر آن اراده‌ای ازخود نداشته باشد و بصیرت و بینشی پشتوانه آن نباشد. معیار روشنی برای درستی آن وجود نداشته باشد و خود فرد نیت و انگیزه‌ای در درون خود برای انجام آن عمل نیابد. فقط نوعی وابستگی و درماندگی درونی در مقابل عادات داشته باشد. همچنان‌كه اصلی‌ترین موانع هدایت انبیاء، دلبستگی مردم به عادات و سنن جوامع خود بوده است. عادات انفعالی موجب سطحی نگری نیز می‌شود. از این‌رو، در تربیت اسلامی نمی‌توان عادت را به عنوان یك روش تربیتی مطرح كرد، بلكه نوعی تمهید و آماده سازی است كه در نهایت با دقت، باید مورد استفاده قرارگیرد.

**اصل سوم: تحول در نگرش**

در فلسفة فارابی به «جوده الرای» و «تسدید» اشاره شده است كه به معنی اندیشه درست و رأی محكم است. بر اساس تحقیق و دقت فراوان و از راه تعلیم و تربیت حاصل می‌شود.[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn32" \o ") این اصل به این معنی است كه تربیت باید در دیدگاه و نگرش فرد نسبت به امور، دگرگونی و تحول ایجاد كند؛ زیرا نوع نگرش فرد بر رفتارها و اعمال او تأثیر مستقیم دارد.

**الف. تصحیح معیارهای ارزشی:** آگاهی و معرفت، شرط ضروری هر انتخاب صحیحی است. نظام تربیتی فارابی نیز مبتنی بر درك و آگاهی است. در نظام تربیتی فارابی، كه منشأ آن از دین مبین اسلام است، معیار هر معرفت و عملی، انطباق آن با ذات خداوند ونیل انسان به قرب حضرت باری تعالی است.[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn33" \o ") پس مهم‌ترین معیار در ارزش گذاری، مقام عبودیت و كمك به سعادت انسان می‌باشد.

**ب. توجه به امتحان الهی:** از نظر فارابی رتبه و جایگاه اجتماعی، تعیین كننده برتری فرد نمی‌باشد، بلكه فرد باید به اندرون خود بنگرد و مقام حقیقی خود را به لحاظ میزان بندگی خدا دریابد.[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn34" \o ") اگر به چنین بینشی دست پیدا كند، متوجه خواهد شد كه افراد زیادی بالاتر و والاتر از اویند. و این مطلب خود مانع از سرمستی و غرور شده زمینه دنیا زدگی را از بین می‌برد و در می‌یابد كه اگر موقعیت و مقامی به او واگذار شده، تنها یك تكلیف و مسئولیت الهی است. باید از آن برای خدمت به بندگان خدا استفاده كند، نه به عنوان امتیاز و برتری برای خود.

**اصل چهارم: عدالت ورزی**

فارابی می‌گوید: كمال مخصوص انسان، سعادت است. هر انسان، واجد رتبه‌ای خاص از سعادت می‌گردد. با توجه به این اصل، باید ظرفیت افراد مختلف و مراحل مختلف زندگی فرد در امر تربیت رعایت شود و رابطه تربیتی به صورت موازنه تنظیم شود تا موجب گریز و انزجار متربی نشود.

**الف. رعایت تفاوت‌های فردی:** به نظر فارابی، تعلیم و تربیت صحیح باید منطبق بر توانایی‌های هر فرد پایه‌گذاری شود. از دیدگاه فارابی، تفاوت‌ها عبارتند از:

1. تفاوت‌های قومی و فردی؛

2. تفاوت‌های موضوع یا مواد آموزشی؛

3. تفاوت‌های فردی از نظر قوا و استعدادهای انسانی برای آموزش رشته‌ها و حرفه‌های مختلف؛

4. تفاوت شدت و ضعف قوا؛

5. تفاوت‌های جسمی و روحی؛

6. تفاوت‌های قدرت و رهبری و ارشاد و تعلیم.

فارابی معتقد است استعدادهای متفاوت افراد در قوت و ضعف استعدادها، مبدأ و ملاك هیچ برتری‌ای نیست، بلكه آنچه موجب برتری در صناعات عملی و موضوعات اخلاقی است. استفاده صحیح از استعدادها و به فعلیت در آوردن آن با تكرار و تمرین و پدید آوردن عادات مناسب و در نهایت، كسب هیأت‌های نفسانی ستوده‌ای است كه مبدأ صدور افعال متناسب با فضایل است.[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn35" \o ")

**ب. واگذاری تكلیف در حد توان فرد:** فارابی در امر تربیت، توجه به میزان توانایی متربی را مهم می‌داند و با توجه به تفاوت‌های فردی، معتقد است كه تكلیف متربیان مختلف باید متفاوت شود، چراكه همة انسان‌ها دارای قدرت درك و فهم یكسانی نیستند. بنابراین، با توجه به ظرفیت هریك از آنها، باید روش آموزشی خاصی به كار برد و به اندازة توان هریك از آنها توجه كرد.[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn36" \o ")

**ج) تنبیه و تشویق متناسب با عمل:** فارابی معتقد است: برای بازداشتن افراد از افعال قبیح، باید در برابر لذت حاصل از آن فعل رنجی پدید آوریم كه از آن لذت افزون باشد. بداین وسیله، مانع انجام فعل قبیح شویم. همین نسبتی كه باید میان لذت كاذب و زیان آور و رنج تنبیهی برقرار باشد، گویای تناسب تنبیه با فعل قبیح است. تأكید بر فعل قبیح بیانگر آن است كه تنبیه به انجام فعل تعلق می‌گیرد، نه به نیت آن، و این از نكات مهمی است كه مربی باید به آن توجه نماید. همچنین فارابی برای افعال قبیح سهوی یا افعالی كه از روی اختیار نباشد، كیفری در نظر نمی‌گیرد. به نظر وی، تنبیه فقط وسیله‌ای برای جلوگیری از كارهای قبیح نیست، بلكه ترك افعال خیر نیز می‌تواند با تنبیه مواجه شود. این می‌تواند موجب مبادرت به خیرات شود.[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn37" \o ") پس مجازات باید متناسب با خطای متربی باشد و عوامل دیگری مثل حالات و روحیات مربی و اقتضای محیط و شرایط بر آن تأثیر نگذارد. البته باید دقت شود برای اینكه تنبیه تأثیر تربیتی لازم را داشته باشد و موجب تجری و بی باكی متربی نشود، مراحل تنبیه به دقت رعایت شود. بر این مبنا، یعنی توجه به نقش آلام و لذات در برانگیختن به افعال نیز می‌توان از طریق تشویق، افراد را در جهت انجام اعمال خیر و ترك اعمال قبیح یاری كرد.

**اصل پنجم: بالندگی عقلانی**

برای رسیدن به هدف تعقل، باید به اصل بالندگی عقلانی توجه كرد. فارابی عقل را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌كند. اصالت را به رشد و كمال عقل نظری می‌دهد و برای رشد و شكوفایی عقلانی، به ویژه عقل عملی، به عمل و رفتار اهمیت خاصی می‌دهد؛[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn38" \o ") یعنی انسان كارهای خود را از روی عقل انجام دهد و تعقل كامل سلیم و ورزیده داشته باشد تا به نهایت كمال و سعادت نایل آید.

**الف. تهذیب نفس:** با توجه به اینكه پیروی هوس‌ها و بر آوردن همه امیال و خواسته‌های غرایز، عقل انسان را زایل می‌كند و در بند می‌كشد. از این‌رو، تهذیب نفس قبل از تحصیل علم لازم است تا كسب علم به عنوان حجابی عامل گمراهی و خودپسندی و طغیان نشود. فارابی می‌گوید: شایسته است پیش از تعلیم فلسفه، اخلاق نفسانی اصلاح گردد تا شوق، متوجه فضیلت حقیقی شود. این هم با اصلاح عملی اخلاق صورت خواهد گرفت. آنگاه كه اصلاح اوصاف نفسانی در مرحله تهذیب شهوت و شوق حاصل شد، به اصلاح مرحلة عالیه روح،‌كه نفس ناطقه است، پرداخته می‌شود تا طریق حق را طی كند و از خطا در امان باشد.[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn39" \o ")

**ب. ترغیب به حكمت آموزی:** به عقیده فارابی علم و حكمت، مقدمه سعادت است.[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn40" \o ") از نظر فارابی حكمت، معرفت به وجود خداوند است كه مبدأ و مقصد همه موجودات است و تمامی معرفت‌ها در معرفت او خلاصه می‌شوند. اگر انسان به این شناخت برسد، از طریق معرفت عقلانی به سعادت و كمال خود، كه بالقوه در وجود او نهادینه شده و با تربیت به فعلیت می‌رسد، نایل می‌شود.[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn41" \o ")

**اصل ششم: تحول در موقعیت اجتماعی**

یكی از اصول تعیین كننده برای نیل به سعادت، تحول در موقعیت اجتماعی است. مدینه فاضله فارابی نیز به همین منظور طراحی می‌شود. پس طبق نظر فارابی باید موقعیت اجتماعی و محیط زندگی افراد به سمت مدینه فاضله سوق داده شود تا زمینه سعادت فردی و اجتماعی اعضای جامعه فراهم شود.[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn42" \o ") تغییر روابط آدمی با موقعیت­های مختلف اجتماعی و محیطی، منشأ تغییرات بسیاری در رفتارهای فردی او می‌شود.

**الف. پیش‌گیری، امر به معروف و نهی از منكر:** فارابی اهل مدینه را مانند اعضای یك تن می‌داند كه همه در سرنوشت هم سهیم‌اند. بنابراین، برای اینكه فضایل در میان اقوام و در جامعه، ساری و جاری باشد، امر به معروف و نهی از منكر ضروری می‌یابد. فارابی معتقد است تا خیرات در جامعه رواج پیدا نكند، نمی‌توان به سعادت دست یافت. و اگر اخلاق مدینه‌های جاهله و ضاله و فاسقه و...، در مدینه فاضله راه یابد، دیگر شایسته عنوان مدینه فاضله نخواهد بود. اهل این جامعه ممكن است گمراه شوند.[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn43" \o ")

**ب. تغییر موقعیت اخلاقی:** یكی از روش‌های تربیتی، تغییر موقعیتی است كه موجب بروز افعال قبیح می‌گردد. فارابی معتقد است. اگر شرایط و موقعیت و حالاتی كه موجب بروز فعل قبیح هستند، به حالات و شرایط ضد آن تبدیل گردد، به طوری كه انجام افعال پسندیده و معتدل برای فرد تسهیل شود، موجب اصلاح رفتار و افعال خواهد شد. از این‌رو، به افراد مؤمن توصیه می‌كند در مدائن غیرفاضله سكونت نكنند. البته در شرایط كنونی، كه به نوعی مفهوم مرزها از میان رفته است، روش مهاجرت به مفهوم مهاجرت جسمی و جغرافیایی توصیه نمی‌شود؛ چرا كه با توجه به استلزامات زندگی امروزه و گسترش رسانه‌های ارتباطی برای در امان ماندن از آسیب‌های تربیتی، لازم است انسان دارای سرمایه‌ای درونی باشد تا با آنچه به او عرضه می‌شود، فاصله مكانتی اتخاذ كند. هر آنچه را كه با ارزش‌های درونی او همنوایی دارد، بپذیرد و هر آنچه را كه با آرمان‌های او تضاد و تقابل دارد، ردّ كند؛ یعنی انسان در سایه بصیرت و عقلانیت به گزینش بپردازد نه با گریز و پرهیز.

**ج. معرفی الگوی اخلاقی:** امروزه ثابت شده كه بهترین و پایدار‌ترین نوع یاد گیری، یادگیری مشاهدة الگویی است. الگوها نقش هدایتی بسیار مهمی در جامعه دارند. از دیدگاه فارابی، الگوهای واقعی كسانی هستند كه از حجاب‌های لذات نفسانی رها شده و به مقام شهود و اتصال رسیده‌اند. از دیدگاه فارابی، رئیس اول مدینة فاضله كه فیلسوف، نبی یا امام است، بهترین الگو است.[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_edn44" \o ")

**نتیجه‌گیری**

فارابی هدف خلقت و حضور در جهان اجتماعی را دستیابی به كمال انسانی معرفی می‌كند. یكی از مزایای تفكر فارابی: كاربردی بودن آن در همه زمان‌ها و مكان‌ها است. وی مسائل را به طوركلی مطرح كرده و انسان را مورد مطالعه قرار داده كه در همه زمان‌ها و مكان‌ها فرض شده است، نه انسانی خاص در جامعه‌ای خاص و با مسئله‌ای مشخص. فارابی مسائل اجتماعی را متأثر از اخلاقیات دانسته و آنها را با دید اخلاقی ارزش‌گذاری می‌كند. وی همه امور اجتماع را وابسته به فرد می‌داند. به طور كلی می‌توان گفت:

1. سعادت واقعی انسان، در گرو شناخت خودِ واقعی انسان است كه منجر به شناخت خداوند و تقرب به درگاه الهی است.

2. انسان دارای گرایشات فطری است، اما موجودی مختار است و هیچ انسانی بر اساس فطرت مجبور به انجام افعال قبیح و جمیل نیست.

3. سعادت و كمال فقط از طریق افعال ارادی برای انسان قابل دستیابی است و تنها از طریق افعال ارادی است كه انسان می‌تواند به حیات طیبه، در هر دو عالم نائل شود.

4. برای كسب فضایل و نیل به سعادت، تعلیم و تربیت، امری ضروری است.

5. امكان تغییر اخلاق برای همة انسان‌ها، در تمام جوامع و در هر شرایطی ممكن است. هر چند میزان دشواری تغییر خُلق در زمان‌ها و مكان‌های مختلف، متفاوت است.

6. استعداد‌های افراد مختلف، برای كسب فضایل، متفاوت است. پس باید با توجه به استعدادهای آنها، روش‌های خاص برای تعلیم و تربیت آنها اتخاذ شود.

7. باتوجه به اینكه توانایی‌های افراد، متفاوت است. توقعات و تكالیف تربیتی نیز باید در حد توان هر كس منظور شود. «لایكلف الله نفساً الا وسعها».

8. از تأثیر محیط بر افراد، نباید غافل شد؛ چرا كه زندگی در محیط‌های خاص، روی نگرش افراد و در نتیجه، روی رفتارهای آنها تأثیر می‌گذارد و ممكن است این تأثیر تا حدی پیش رود كه جای معروف و منكر، یا جمیل و قبیح عوض شود.

9. دل بستن به امور زودگذر دنیوی از قبیل جمع آوری ثروت، كسب مدارك تحصیلی و مقامات عالیة دنیوی و خوش گذرانی ناشی از خود پنداری یا عدم شناخت انسان از خود و غفلت از ارزش‌های انسانی است.

10. تعلیم و تربیت باید بر محور خردورزی استوار شده با روش‌های عقلانی اجرا شود.

11. وجود الگوهای مناسب در جامعه و معرفی آنان به نسل جدید، می‌تواند متربیان را در تربیت بهتر یاری كند. از این‌رو، التزام عملی مربیان به ارزش‌های اخلاقی ضروری است.

12. روشن است كه دستیابی به سعادت با تحمل سختی، مشقت و دست كشیدن از برخی خوشی‌ها همراه است. پس باید در راه خودسازی صبور باشیم.

13. برای جذب متربیان، بهتر است تلاش كنیم از روش‌های لذت‌بخش در امر تربیت، به خصوص در مراحل اولیه بهره‌مند شویم.

14. با توجه به اینكه خدای متعال امكان رشد را به همة موجودات عالم عطا كرده و توانایی تغییر افكار و اعمال قبیح به افكار و اعمال جمیل و صحیح را در وجود انسان قرار داده، شایسته است كه فرصت توبه و تربیت به همة افراد داده شود.

**منابع**

باقری، خسرو، ***نگاهی دوباره به تربیت اسلامی***، تهران، مدرسه، 1382.

پژوهشكدة حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ج 1، با همكاری علیمحمد كاردان و دیگران، تهران، سمت، 1378.

داوری اردكانی، رضا، ***فارابی***، تهران، طرح نو.

دفتر همكاری حوزه و دانشگاه، ***آراء دانشمندان در تعلیم و تربیت و مبانی آن***، تهران، سمت، 1377.

شریف، میان محمد(م.م.) و دیگران، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمة گروه مترجمان، تهران، مركز نشر دانشگاهی، مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی، 1362.

فارابی، ابونصر، ***آراء اهل المدینه الفاضله***، ترجمه دكتر سید جعفر سجادی، تهران، طهوریع 1361.

فارابی، ابونصر، ***التنبیه علی سبیل السعاده***، تحقیق دكتر جعفر آل یاسین، تهران، حكمت، 1373.

فارابی، ابونصر، ***فصول منتزعه***، چ دوم، تهران، الزهرا، 1405.

فارابی، ابونصر، ***السیاسه المدنیه***، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1371.

مؤسسه مكاتباتی اسلام شناسی، ***انسان كامل از دیدگاه فارابی\_ عرفا\_ مولوی***، تهران، 1361.

میرزا محمدی، محمدحسن، ***فارابی و تعلیم و تربیت***، تهران، یسطرون، 1384.

ناظرزاده كرمانی، فرناز، ***اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی***، تهران، دانشگاه الزهرا، 1376.

نفیسی، محمود، ***سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین***، تهران، امیری، 1368.

نلر، جرج اف، ***آشنایی با فلسفه اموزش و پرورش***، ترجمه فریدون بازرگان، تهران، سمت، 1377.

[\*](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ftnref1" \o ")دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. [Nowrozi.i@gmail.com](mailto:Nowrozi.i@gmail.com)

[\*\*](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ftnref2" \o ")استادیار دانشگاه اصفهان.   دریافت: 30/1/89 ـ پذیرش: 25/11/89

[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref1" \o "). ر.ك: محمود نفیسی، ***سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین***.

[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref2" \o "). ابونصر فارابی، ***آراء اهل المدینه الفاضله***، ترجمه دكتر سیدجعفر سجادی، ص 118-119.

[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref3" \o "). دفتر همكاری حوزه و دانشگاه، ***آراء دانشمندان در تعلیم و تربیت و مبانی آن***، ص 272

[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref4" \o "). ابونصر فارابی، ***فصول منتزعه*** ، ص 24

[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref5" \o "). همو، ***السیاسه المدنیه*** ، ص 35

[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref6" \o "). همو، ***آراء اهل المدینه الفاضله*** ، ص105

[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref7" \o "). همو، ***السیاسه المدنیه*** ، ص72

[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref8" \o "). جرج اف نلر، ***آشنایی با فلسفه اموزش و پرورش***، ترجمه فریدون بازرگان ، ص39

[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref9" \o "). رضا داوری اردكانی، ***فارابی*** ، ص273\_279

[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref10" \o "). ابونصر فارابی، ***التنبیه علی سبیل السعاده*** ، ص181

[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref11" \o "). همو، ***السیاسه المدنیه***، ترجمه سیدجعفر سجادی ، ص 106- 107

[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref12" \o "). همو، ***انسان كامل از دیدگاه فارابی\_ عرفا\_ مولوی*** ، ص105

[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref13" \o "). همو، ***السیاسه المدنیه*** ، ص72

[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref14" \o "). ر.ك: همو،***التنبیه علی سبیل السعاده***

[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref15" \o "). فارابی،***آراء اهل المدینه الفاضله*** ، ص194

[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref16" \o "). دفتر همكاری حوزه و دانشگاه، همان، ص 112-109

[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref17" \o "). پژوهشكدة حوزه و دانشگاه، ***فلسفه تعلیم و تربیت***، ج 1، ص 5

[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref18" \o "). ابونصر فارابی، ***آراء اهل المدینه الفاضله*** ، ص 101و102و135

[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref19" \o "). همو، ***فصول منتزعه***، ص45-46

[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref20" \o "). میان محمد شریف، ***تاریخ فلسفه در اسلام***، ترجمة گروه مترجمان، ، ص657

[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref21" \o "). رضا داوری اردكانی، همان، ص227

[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref22" \o "). ابونصر فارابی، ***فصول منتزعه*** ، ص30

[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref23" \o "). همان، ص 8-9

[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref24" \o "). همو،***السیاسه المدنیه*** ،ص198

[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref25" \o "). همان، ص180

[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref26" \o "). خسرو باقری، ***نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*** ، ص68

[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref27" \o "). ابونصر فارابی، ***التنبیه علی سبیل السعاده*** ، ص190-191

[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref28" \o "). رضا داوری اردكانی، همان، ص213-214

[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref29" \o "). ابونصر فارابی، ***التنبیه علی سبیل السعاده***، ص204-208

[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref30" \o "). فرناز ناظرزاده كرمانی، ***اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی*** ، ص180

[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref31" \o "). ابونصر فارابی، ***فصول منتزعه*** ، ص10و30و34

[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref32" \o "). ابونصر فارابی، همان، ص59

[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref33" \o "). محمدحسن میرزا محمدی، ***فارابی و تعلیم و تربیت*** ، ص 45-46

[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref34" \o "). ابونصر فارابی، ***التنبیه علی سبیل السعاده*** ، ص80

[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref35" \o "). ابونصر فارابی، ***فصول منتزعه*** ، ص 31-32

[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref36" \o "). محمدحسن میرزامحمدی، همان، ص90

[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref37" \o "). ابونصر فارابی، ***التنبیه علی سبیل السعاده***، ص 218

[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref38" \o "). همو، فارابی، ***فصول منتزعه*** ، ص30

[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref39" \o "). ر.ك: همو، ***آراء اهل المدینه الفاضله.***

[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref40" \o "). مؤسسه مكاتباتی اسلام شناسی، همان، ص 18

[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref41" \o "). محمدحسن میرزا محمدی، همان، ص67

[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref42" \o "). همان، ص57-58

[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref43" \o "). رضا داوری اردكانی ، همان، ص 228

[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/48" \l "_ednref44" \o "). ر.ك: فارابی، همان.